

نزدیک باشد. در حقیقت چون ایشان در مدیریت بازیگر مسلط بودند، انتخاب بازیگران با تفاهم، توافق و اشتراک نظر طرفین اتفاق افتاد و ارتباط بسیار خوب و سلیقه نزدیکی با یکدیگر داشتیم.

یکی از محسنات این فیلم، قرار داشتن بین ژانر کمدی و جدی است؛ لحن خاصی که در سینما هر کسی در آن تبحر ندارد. شما که یک مدل دیگر طنز را در تلویزیون تجربه کرده بودید، کدام فرم را بیشتر می‌پسندید؟

هر کدام از این آثار یک جامعه هدف دارد. جامعه هدف «دودکش» با «سمفونی نهم» کاملا متفاوت و از هم منفک است. من به‌عنوان تهیه‌کننده بانوجهه مقطع زمانی هر دو را می‌پسندم، اما نمی‌توانم بگویم کدام برتر است. یک سری از طنزها و کمدی‌ها عمومی‌تر است و یک سری طنزها انتقادی است که ادبیات خاصی دارد. «سمفونی نهم» ادبیات خاص خودش را دارد که بین کمدی و درام است. این کار بسیار دشوار بود و ما هم این را می‌دانستیم و امیدواریم فیلم ماندگاری در تاریخ سینمای ایران شود.

در آخر می‌پرسم این که خیلی‌ها اصرار دارند بگویند شما به جایی وابسته هستید یا حامی بزرگی دارید، چقدر باعث نشده انگیزه شما بیشتر یا کمتر شود و گاهی افسرده‌تان کند؟ طبیعتاً زمانی که کسی برای کار و زندگی‌اش تلاش می‌کند، از شنیدن این حرف‌ها دلگیر می‌شود. علاوه بر این که مادر حین این فعالیت‌هایی خوبی، بیماری و... هم داریم و نمی‌توانیم زندگی و کارهایمان را به‌صورت عادی پیش ببریم. اما از طرف دیگر وقتی عمیق‌تر به موضوع فکر می‌کنم، می‌گویم خدایا شکر که تو آن قدر به من لطف داری که آدم‌ها فکر می‌کنند من یک حامی بزرگ پشت سرم دارم. باید بگویم من جز خداوند و دعای مادر هیچ تکیه‌گاهی ندارم و اصلاً به کسی نیاز ندارم. نمی‌دانم چرا همه دنبال کشف یک ماجرای عجیب در من هستند، همین‌جا به آن‌ها می‌گویم اگر پیدایش کردید به من هم نشان دهید؛ من فکر می‌کنم همه این حرف‌ها، از طرف آدم‌هایی ناموفق است که اهل کار هم نیستند، چون هیچوقت یک آدم موفق و صاحب تفکر و نظر، دنبال این بحث‌ها نیست.

همکاری چطور زده شد؟

من همیشه کارهای قدیمی آقای هنرمند را دوست داشتم، زیرا معتقدم کارهایشان تاریخ‌اندازند و ایشان امضای خاص خودشان را دارند. اما این همیشه برای من سوال بود که چرا کسی مثل محمدرضا هنرمند چندین سال کار نکرده است. خودم با ایشان تماس گرفتم و گفت و گوی بسیار خوبی هم داشتیم. صادقانه گفتم این موضوع برای من سوال است و ایشان هم پاسخ دادند. من چند طرح برای آقای هنرمند ارسال کردم و این طرح‌ها را پسندیدند. ابتدا قرار بود یک سریال بسازیم که در آن مقطع زمانی، شرایطش مهیا نشد. در آن روزها فکر کردم حالا که آقای هنرمند اقدام کردند بعد از سال‌ها اثری تازه بسازند، چه خوب است که یک فیلم سینمایی باشد. طرح اولیه‌ای که به من دادند خیلی جذاب بود و فکر می‌کنم «سمفونی نهم» اثر بسیار جسورانه‌ای شد.

«سمفونی نهم» یکی از آن کارهایی است که تعداد لوکیشن دارد و همین در تولید کار را سخت‌تر می‌کند، در حالی که خیلی‌ها به کارهای تک‌لوکیشن پناه می‌برند تا کمتر اذیت شوند. چقدر با این ریسک آقای هنرمند همراه شدید و آیا تعداد لوکیشن‌ها بیشتر بود و شما کمتر نش کردید؟

فکر می‌کنم من صد درصد با ایشان هماهنگ شدم و سعی کردم هرآنچه را که مورد نیاز ایشان است، فراهم کنم اما در خصوص حذف باید بگویم یک سری سکانس‌ها بود که مدت زمان فیلم را بیشتر از ۱۲۰ دقیقه می‌کرد و چون معمولاً سینما خیلی پذیرش فیلم‌های با این مدت زمان را ندارد، برای مدیریت زمان فیلم، برخی سکانس‌ها حذف شد؛ اما در مجموع کلیت ماجرا همین است که روی پرده اکران شده است.

یک کارگردان پیشکسوت مثل هنرمند معمولاً اجازه نمی‌دهد کسی در کار انتخاب بازیگر نظر بدهد. شما به عنوان تهیه‌کننده چقدر در زمینه انتخاب بازیگر اعمال نظر داشتید؟

آقای هنرمند کسی هستند که بازیگران موفق و ستاره‌های زیادی را به دنیای سینما معرفی کردند. ایشان خیلی نسبت به میث بازیگری حساسیت نداشتند و فقط به دنبال این بودند که بازیگر به نقش

تعداد تهیه‌کنندگان زن در سینمای ما کم است و اکثر آنها کارگردان‌هایی هستند که فیلم‌های خودشان را تهیه می‌کنند. از نظر شما مهم‌ترین سختی‌هایی که در سینما برای یک تهیه‌کننده زن وجود دارد، چه چیزهایی است؟

سینما و تلویزیون از جهت تولید خیلی فرقی ندارند، چون تولید یک روند مشخص دارد و به جز یک سری استانداردهای متفاوت در این دو مدیوم تولیدی، وجه تمایز خاص دیگری نیست. به نظر من سختی فعالیت در این عرصه در سینما بیشتر از تلویزیون نیست و حتی شاید بتوان گفت در تلویزیون کار تهیه و تولید سخت‌تر هم هست چون باید بیشتر پاسخگو باشی و مراودات بیشتری داشته باشی و از طرفی کار تو برای عموم مردم پخش می‌شود و مسئولیت بیشتری داری. اما در مجموع من برای هر قسمت از سریال‌هایم به اندازه یک فیلم سینمایی تلاش می‌کنم چون برایم بارز است. وجه تمایز سینما و تلویزیون فقط در اکران است که باز آن هم هیچ ربطی به زن و مرد بودن و تهیه‌کننده ندارد. فرآیند اکران کلاس سخت است چون سینما در ایران یک صنعت نیست و به صورت یک محفل کاملاً سنتی اداره می‌شود! تعداد سینماها و حمایت بخش‌های مختلف مملکتی از فرهنگ و هنر ما بسیار کم است و واقعا در یک کلام سینمای ایران مهجور است. این را قبل‌تر درک نمی‌کردم اما الان که خودم به صورت عملیاتی وارد آن شده‌ام، کاملاً لمسش می‌کنم. «سمفونی نهم» فیلمی کاملاً فرهنگی و ایرانی است اما خیلی‌ها به من هشدار دادند که سراغ آن نرو و گیشه‌ای کار کن، اما من این فیلم را دوست دارم و می‌خواستم فیلم اولم اثری باشد که همیشه به آن افتخار کنم و فکر می‌کنم این اتفاق افتاده است.

این اتفاق افتاد؟ حالا می‌توانید به «سمفونی نهم» افتخار کنید؟

فارغ از اینکه در گیشه چه اتفاقی افتاده، «سمفونی نهم» سکانس‌هایی دارد که می‌تواند ماندگار شود، چون گیشه برای کسی که ایدئولوژی دارد، خیلی تعیین‌کننده نیست. همچنین من فکر می‌کنم سینما جای زنان است چون این قشر از جامعه خیلی دلسوز هستند و حس مادرانه نسبت به نسل‌های آینده دارند و می‌توانند چه در تلویزیون و چه در سینما تعیین‌کننده باشند.

آیا در سال‌های آینده شما را در جایگاه کارگردان خواهیم دید؟!

من به این حوزه هم بی‌علاقه نیستم. با این که تهیه‌کنندگی و کارگردانی بیشتر کاری کاملاً متفاوتی دارند، اما ناخودآگاه کارشان به هم خیلی گره هم می‌خورد و فکر می‌کنم اکثر تهیه‌کننده‌ها بعد از مدتی علاقه پیدا می‌کنند کارگردانی را هم تجربه کنند. فعلاً به لحاظ موقعیت کاری به آن فکر نمی‌کنم، اما شاید در سال‌های آینده کارگردانی را هم تجربه کردم.

خانم تقوایی چطور شد که کارگردان بزرگ و کارکشته‌ای مثل محمدرضا هنرمند که سال‌هاست کار نکرده است، شما را به عنوان تهیه‌کننده انتخاب می‌کند؟ جرقه این

